

## بزرگ بازارهای ایران

مهناب مظفری سوادکوهی

بازار تیمچه حاجب‌الدوله نیز در مجاورت مسجد جامع قرار گرفته که از معماری بسیار زیبایی برخوردار است. این بازار در دوران ناصرالدین شاه قاجار ساخته شده و در سال ۱۳۵۶ خورشیدی در لیست آثار ملی ایران ثبت شده است.

از جاذبه‌های دیگر بازار بزرگ می‌توان به قدیمی‌ترین پارک شهر تهران اشاره کرد که با وسعت ۲۵ هکتار و با هشت درب ورودی در اطراف این بازار واقع شده است.

کاخ گلستان با قدمت بیش از ۴۰۰ سال، یکی دیگر از جاهای دیدنی بازار بزرگ است که در ابتدای خیابان مروی خودنمایی می‌کند.

در این میان از موزه مقدم نیز نمی‌توان غافل شد که در نزدیکی میدان حسن‌آباد واقع شده و یکی از مسیرهای رسیدن به بازار بزرگ محسوب می‌شود. این موزه از معماری زیبایی برخوردار است و به دلیل نگهداری از اشیای خاص تاریخی و قدیمی، یکی از محبوب‌ترین جاهای دیدنی اطراف بازار به شمار می‌رود. موزه مقدم از خانه‌های مجلل به‌جامانده از دوران قاجار است که به یکی از درباریان آن دوران به نام محمدتقی‌خان احتساب‌الملک تعلق دارد.

به این مجموعه باید مسجد جامع و مسجد امام خمینی را هم افزود که پیش‌ترها به نام مسجد شاه معروف بوده است. مسجد امام خمینی، دومین مسجد قدیمی تهران است که دو قرن قدمت داشته و در سال ۱۳۶۳ جزو آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. مسجد جامع نیز یکی دیگر از مساجد کهن تهران است که قدیمی‌ترین شبستان آن بیش از هزار سال قدمت دارد.

امام‌زاده زید و آرامگاه لطفعلی‌خان زند از دیگر آثار تاریخی و فرهنگی بازار بزرگ تهران به شمار می‌رود. امام‌زاده زید از نوادگان امام زین‌العابدین (ع) است که بقعه آن در دوران صفوی بنا شده و لطفعلی‌خان زند نیز آخرین پادشاه سلسله زندیه بود که در جنگ از آقا محمدخان قاجار شکست خورد و به دستور او کشته شد.

همه این‌ها جزو بازار بزرگ تهران است که به سمت ناپودی پیش می‌رود؛ بازاری که می‌توانست با اندکی توجه، مرمت و بهینه‌سازی به یک مجموعه بزرگ تجاری فرهنگی در قلب پایتخت بدل شود تا از رشد قارچ‌گونه فروشگاه‌های مدرن و غیرمتناسب با معماری آن جلوگیری کند و بی‌برنامگی را از بساط‌های خیابانی برچیند. پلاک‌گذاری مسیبرها و معرفی راسته‌های بازار به شکلی کاملاً مجزا، رسیدگی به فضای سبز و مشجر، نوسازی ناوگان قدیمی به شرط حفظ شکل تاریخی آن، مرمت سنگ‌فرش‌های قدیمی در خیابان اصلی، بهره‌گیری از نمادهای تاریخی در عرضه محصولات صنایع دستی و ساماندهی دستفروشان و دوره‌گردها و مهم‌تر از همه مرمت و بازسازی بافت تاریخی و فرسوده بازار، می‌تواند این مرکز را به یکی از کانون‌های بزرگ تجاری و گردشگری در کشور تبدیل کند.

بازار بزرگ تهران، نیازمند ترحم و نگاه سنگین مدیریت شهری و متولیان فرهنگی نیست. بازار بزرگ تهران، بزرگ بازارهای ایران است که نیازمند تکریم و احترام به بلندای قدمت تاریخی‌اش است.



از آخرین باری که به بازار بزرگ تهران رفتم چند سالی می‌گذرد. آن روز یکی از آخر هفته‌های معمولی سال بود و ما بیشتر برای تفریح رفته بودیم تا برای خرید. اما دیروز که از ایستگاه مترو پیاده شدم و به ورودی بازار رسیدم، جمعیت پیش رو قابل باور نبود. موج عظیمی از مردم مثل کلونی‌های مورچه در حرکت بودند و با لهجه‌ها و گویش‌های مختلف با یکدیگر صحبت می‌کردند. آن قدر عجله داشتند که دیگر به تنه زدن، هل دادن یا حتی نشستن روی نیمکت و جای هم‌دیگر را گرفتن، فکر هم نمی‌کردند. تنها چیزی که به فکرش بودند، معامله پرسود و پایاپای بود؛ فروشدها در فروش جنس‌هایشان و خریداران در خرید اجناس موردنیازشان و البته با کمترین قیمت!

در همه شهرهای کشور، بازارهای هفتگی وجود دارد که در ایام پایان سال، مملو از رفت و آمد و بساط دست‌فروش‌ها می‌شود اما بساط شب عید بازار بزرگ تهران چیز دیگری است.

همین‌طور که جلو می‌رفتم، مغازه‌های اغذیه‌فروشی، چای و نسکافه و غذاهای سنتی، چپ و راست دیده می‌شد. شاید به جرأت می‌شد گفت که هیچ‌کدام از غرفه‌ها و فروشگاه‌های بازار بزرگ به اندازه این اغذیه‌فروشی‌ها پررونق و پرجمعیت نبود؛ انگار خریداران قسم خورده بودند که دستشان را خالی نگه دارند اما شکمشان را نه!

بازار بزرگ تهران اگرچه به تب و تاب کلی‌فروشی معروف است اما در روزهای پایانی سال، این دست‌فروش‌ها هستند که دل سیری از عزا درمی‌آورند و ماشین‌های روباز مسافرکش که روی سنگ‌فرش‌های قدیمی بازار راه می‌روند و از مسافر پر و خالی می‌شوند.

با همه این اوصاف، بیشترین چیزی که در بازار بزرگ تهران جلب توجه می‌کند و چشمان تیزبین مخاطبان را به سمت خود می‌کشد معماری سنتی و بافت قدیمی بازار است که علی‌رغم بی‌توجهی و مرمت نشدن، سال‌ها قدمت دارد؛ عمارت‌هایی که کهنگی، شکستگی و فرسودگی بر آن‌ها غلبه نکرده و چیزی از زیبایی و سادگی آن‌ها نکاسته است.

در کنار ساختمان‌ها و فروشگاه‌های مدرن بازار، شاید این آخرین تصویر از قلب تجارت کشور است که به اصالت خود می‌نازد و منتظر دست‌های نواز شکر شهرداری یا متولیان بی‌توجه میراث فرهنگی نمانده است. مثل همیشه این نوازنده‌های دوره‌گرد و خیابانی بودند که به فضای سرگردان بازار و دوگانگی سنت و مدرنیته، امنیت خاطر می‌بخشیدند تا فقر از پاهایی که بدون هدف وسط خیابان می‌دوند یا از ارابه‌های چوبی زهوار درفته‌ای که علاوه بر بار، زحمت جابه‌جایی سالمندان را هم به عهده دارند بیرون نزنند.

تاریخچه بازار بزرگ تهران را به دوران قاجار نسبت می‌دهند، البته گمانه‌زنی‌های دیگری هم در این رابطه وجود دارد. برخی ناصرالدین شاه را مؤسس بازار بزرگ تهران می‌دانند و عده‌ای تأسیس آن را به شاه تهماسب صفوی نسبت می‌دهند.

به نظر می‌رسد که بازار بزرگ تهران در دوران صفوی، روباز بوده و بعدها در زمان ناصرالدین شاه مسقف شده اما آنچه مسلم است این که بازار در دوران قاجار و پهلوی در تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن زمان نقش بسزایی داشته و بازاری‌ها با حضور پررنگ خود در دوره مشروطیت با مردم همراه شدند.

بازار بزرگ تهران، یکی از بزرگ‌ترین مراکز تجاری ایران است که در منطقه ۱۲ پایتخت واقع شده و وسعتی بیشتر از یک کیلومتر مربع دارد. این بازار از شمال به خیابان پانزده خرداد و از جنوب به خیابان مولوی منتهی می‌شود و شرق و غرب آن را نیز خیابان مصطفی خمینی و خیابان خیام احاطه کرده است.

یکی از قسمت‌های قدیمی بازار بزرگ تهران، بازار چهارسوق است که معماری و بافت قدیمی آن جزو آثار ملی به شمار می‌رود. این بازار، سقفی کوتاه با گچ‌بری‌های زیبا و متعدد دارد که نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند.

## بعضی از فضاهای عمومی شهر در اختیار نهادهای خاص است و آن‌ها با توجه به صلاح‌دیدشان بیلبوردهایی را برایشان طراحی می‌کنند. آیا این کار و استفاده از دیوارها به عنوان تریبون صحیح است؟

در این حوزه نباید به شکل صفر و صدی عمل کرد. به هر حال در مدل حکمرانی ما نهادهایی وجود دارند که نیازمند تریبون برای اشاعه پیامشان هستند. اما مسأله این‌جاست که باید آن‌ها را به سمت اصول هدایت کنیم و ببینیم در کدام یک از انواع فضاهای شهری این امکان وجود دارد که چنین تبلیغاتی در آن صورت گیرد. مثلاً خیابان طالقانی به دلیل وجود لانه جاسوسی می‌تواند محل خوبی برای ارائه آرمان‌ها و شعار انقلاب باشد یا در میدان فلسطین می‌شود تبلیغات خوب محیطی انجام داد اما میدان ولی‌عصر که بر سر راه خیابان ولی‌عصر است مکان مناسبی برای اکران دیوارنوشته‌ها نیست، زیرا این خیابان جزو مهم‌ترین خیابان‌های میراثی تهران است که تبلیغات در آن باید از نظر اقتصاد و سیمای مکان، یکدست بوده و سبک تبلیغات از ابتدا تا انتهای خیابان وحدت رویه داشته باشد. البته با توجه به طراحی غیراصولی میدان ولی‌عصر که عابران را به سمت زیرزمین هدایت می‌کند، ارائه چنین تبلیغاتی کاربردی نیست و از جمله سیاست‌های متناقضی است که در شهر اعمال می‌شود. برای انجام این اقدامات و حتی انتقال بهتر پیام باید از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان شهری کمک گرفت تا آن‌ها تعیین کنند برای این دست تبلیغات فرهنگی که در سیاست‌های کلان و بالادستی حکمرانی نیز به آن تأکید شده چه مکانی مناسب است. تنها در این شرایط است که همه می‌توانند به نحو شایسته به اهدافشان برسند.

## آیا فضای عمومی شهر محل کسب تجارب دانشجویی و مردمی است یا باید برای انجام اقدامات فرهنگی و هنری، کار را به کاردان سپرد؟

در این زمینه به هر دو وجه باید توجه کرد. وقتی از شهروندان انتظار مشارکت داریم باید فضایی هم برای این امر در نظر بگیریم، مثلاً در آیین‌های مذهبی مانند نیمه‌شعبان مردم کوچه‌های خود را آذین‌بندی و ریسه‌بندی می‌کنند. اگرچه ممکن است این اتفاق، شکل هنری و متحد نداشته باشد اما فضای نشاط و معنویت را به شهر القا می‌کند یا در مورد ایام محرم و صفر که مردم شهر را سیاهوش کرده یا تکیه‌هایی برپا می‌کنند فضای شهر روح متحد و معنوی به خود می‌گیرد.

مدیریت شهری باید سیاست‌ها را طوری پیش ببرد که در برخی فضاها به عنوان متولی امر وارد شود و با کمک گرفتن از متخصصان، فضای شهر را مدیریت کند، اما در ایام مناسبتی، بخش‌هایی از محلات را در اختیار مردم بگذارد تا آن‌ها هم بتوانند در امور مشارکت کنند. این تزیینات جزو اقدامات موقت محسوب می‌شود و با اتمام آن مناسبت و جمع‌آوری آن‌ها شهر به فضای اصلی‌اش بازمی‌گردد.

مدیریت شهری باید در دو سطح این تزیینات را انجام دهد، مثلاً در کشورهای دیگر برای کریسمس این اتفاق اغلب رخ می‌دهد که مدیریت شهری در سطح کلان، فضای شهر را آماده می‌کند و شهروندان یا مغازه‌داران، درخت کریسمسی برای خودشان در مقابل خانه یا محل کارشان می‌گذارند و پس از مدتی آن را جمع می‌کنند. نمی‌توانیم از مردم انتظار مشارکت داشته باشیم و فضای مشارکت را ببندیم اما مقیاس این مشارکت مهم است که در چه سطحی انجام می‌شود.

گاهی باید استثنائاتی در نظر گرفت. مثلاً چندین سال در ایام نوروز، محوطه باغ فردوس بدل به یک پلازای شهری می‌شد (متأسفانه اکنون آن منطقه از نظر نگهداری گیاهان به شدت دچار مشکل شده و امیدوارم در اسرع وقت به این امر رسیدگی شود) و هنرمندان، دانشجویان و... در آنجا آثار هنریشان را تولید می‌کردند و در معرض نمایش می‌گذاشتند، حتی بسیاری از شهروندان به یکدیگر توصیه می‌کردند به آنجا سری بزنند. این رویدادهای موقت در اماکن مختلف شهر می‌تواند برای شهروندان جذاب باشد.